



## قابلیت استفاده از «شاد» برای نابینایان

وزارت آموزش و پرورش با صدور اطلاعیه‌ای از فعال شدن قابلیت استفاده دانش‌آموزان نابینا و کم‌بینا در «سسخه جدید شبکه شاد» خبر داد. در متن اطلاعیه آموزش و پرورش آمده است: «قابلیت استفاده پلتفرم آموزشی شاد برای نابینایان و کم‌بینایان، فعال شده است. با مناسب‌سازی نسخه ۲.۹.۸ اپلیکیشن شاد، کاربران نابینا و کم‌بینا می‌توانند با استفاده از ابزار (eSpeakNG) منوها و پیام‌های موجود در شاد را بشنوند و به صورت شنیداری از محتوای کانال‌ها و گروه‌ها استفاده کنند. کاربران برای استفاده از این امکان باید پس از نصب ابزار (eSpeakNG)، زبان گویشی خود را روی فارسی تنظیم کرده و سپس در تنظیمات گویش گزینه (talk back) یا دستیار صوتی را از منوی دسترسی فعال کنند. شاد همچنین به منظور آشنایی بیشتر کاربران با این قابلیت، توضیحات و نحوه اجرای پلتفرم برای دانش‌آموزان نابینا و کم‌بینا را در بخش «شاد را بیشتر بشناسیم»، قرار داده است. کاربران در صورت داشتن هرگونه مشکل در خصوص آپدیت جدید و اطلاعات مربوط به نحوه استفاده از این پلتفرم توسط نابینایان و کم‌بینایان می‌توانند با تنها شماره پشتیبانی شاد، ۰۲۱۴۳۰۸۱ تماس بگیرند.»

## بهره‌مندی معلولان از امتیاز بازنشستگی

مدیرکل دفتر توانمندسازی معلولان سازمان بهزیستی کشور گفت: «افراد دارای معلولیت شاغل در بخش‌های خصوصی و غیردولتی می‌توانند از امتیاز بازنشستگی پیش از موعد بهره‌مند شوند.»

محمدرضا شهبازی افزود: «بر اساس اعلام معاون بیمه سازمان تأمین اجتماعی، با اجرای آیین‌نامه قانون اصلاح قانون نحوه بازنشستگی جانبازان انقلاب اسلامی ایران و جنگ تحمیلی و معلولان عادی و شاغلان مشاغل سخت و زیان‌آور مصوب سال ۱۳۸۳ (مصوب ۱۳۸۵/۲/۱۰) تمام معلولان عادی و معلولانی که بر اثر حوادث ناشی از کار مشمول قانون تأمین اجتماعی که در بخش غیر دولتی یا مؤسسات مشمول قانون فهرست نهادهای و مؤسسات عمومی غیردولتی (مصوب سال ۱۳۷۳ و اصلاحات بعدی آن) یا دستگاه‌های دارای مقررات استخدامی خاص شاغل باشند، می‌توانند از مزایای مندرج در قانون مذکور بهره‌مند شوند.»

وی اضافه کرد: «افراد دارای معلولیت می‌توانند برای بهره‌مندی از بازنشستگی پیش از موعد به سازمان‌های تأمین اجتماعی در سراسر کشور مراجعه کنند.» طبق آمار جامعه جهانی، معلولان ۱۰ تا ۱۵ درصد از جمعیت را تشکیل می‌دهند که در ایران این آمار ۱۰ درصد محاسبه می‌شود که سه درصد از آنها معلولیت شدید و خیلی شدید دارند. بر این اساس جمعیت معلولان ایران حدود ۸ میلیون نفر برآورد می‌شود. در حال حاضر نیز یک میلیون و ۶۰۰ هزار معلول تحت پوشش بهزیستی هستند.



ایرن واعظزاده  
روزنامه‌نگار

**عده‌ای بر این باورند این قشر باید با افرادی ازدواج کنند که دارای شرایطی مشابه هم هستند؛ چراکه بهتر قادر به درک یکدیگر هستند و در مقابل نیز دیدگاه دیگری وجود دارد که بر ازدواج این گروه با افراد غیرمعلول تأکید دارد**

باید یا نباید در خصوص ازدواج بین یک همانند و غیر همانند مواجه نیستیم، بلکه با یک معضل فرهنگی روبه‌رو هستیم. تفاوت‌ها را به عنوان نقص دیدن؛ یعنی من نوعی اگر کسی نابینا است او را به عنوان یک انسان ناقص یا ناکامل در نظر بگیریم، در حالی که ما می‌توانیم به گونه‌ای تربیت شویم و خصوصاً نسل‌های بعدی را نیز به گونه‌ای تربیت کنیم که تفاوت‌های انسان‌ها را درک کرده و بپذیرند. همان‌طور که طرز فکر، ویژگی‌های شخصیتی، نوع جهان‌بینی، باورها و اعتقادات مختلف در زمینه‌های مثلاً مذهبی می‌توانند تفاوت‌های بسیاری در بین ما ایجاد کنند، مسائل پیگیری و بدنی هم به همین صورت هستند و این نه یک مزیت یا یک نقص، بلکه یک تفاوت است که ممکن است زندگی اجتماعی را برای کسی دشوار کند، اما در اینجا مسأله مهم این است که نگاه و پینش ما نسبت به این موضوع چگونه است و مجدداً می‌گوییم مسأله اصلی در بیشتر مواقع یک مسأله فرهنگی اجتماعی است تا قاعده و قانونی روانشناختی.» به گفته وی، به طور کلی ما برای پیش‌بینی یک ازدواج موفق قانون، قاعده یا فرمول مشخصی نداریم. عوامل و مسائل بسیار متنوع و گوناگونی وجود دارند که قسمتی از آنها در اختیار ما است و ما قادریم بر آنها نظارت داشته و تأثیر بگذاریم و از طریق انتخاب آگاهانه سلامت و بهنجاری ازدواجی را نه لزوماً تضمین کرده، بلکه از عوامل تنش‌زای آن ازدواج کمی کمتر کنیم. با این حال باز هم ازدواج امری پیچیده است؛ دو انسان با دو منظر گاه یا دو جهان‌پنداری متنوع و با داشتن تفاوت‌هایی به هم می‌رسند؛ اگر یکی از این دو زوج دچار عارضه‌ای جسمانی باشد آیا می‌توان پیش‌بینی کرد که آن ازدواج به بن‌بست خواهد رسید یا پیش نخواهد رفت؟ مشخص نیست؛ ممکن است بسیار از زوج‌های موفق وجود داشته‌باشند؛ نیز باشند و یکی از آنها در اینکه بتوانند تفاوت‌ها یا نقص‌های آن زوج را پوشش دهد احساس آرامش و اهمیت کند و آن را به عنوان یک ابراز عشق در نظر بگیرد یا اینکه فشارهای اجتماعی و فرهنگی به قدری زیاد و تأثیرگذار باشد که ازدواج بین یک فرد به لحاظ جسمانی نرمال با یک فرد به لحاظ جسمانی متفاوت را چنان با مشکل مواجه کند که زندگی را برای آنها سخت کند.»

صدقی در پایان اظهار می‌دارد: «بیش از هر چیزی روانشناسان، جامعه‌شناسان و فعالان فرهنگی وظیفه دارند در این راستا حرکت کنند که ما افراد بسیاری از آدم‌های دیگر گوناگون، رنگارنگ و متنوع هستیم در جهت تنوع آنها ببینیم و بپذیریم؛ در این صورت است که این تنوع و تفاوت کمتر می‌شود؛ در واقع، اگر انسانیت آن انسان اولویت باشد، این تفاوت آهسته‌آهسته کمرنگ خواهد شد. علاوه بر این، ما در تربیت فرزندان‌مان نیز باید به آنها آموزش دهیم که چطور این تفاوت‌ها را پذیرفته و با آن مواجه شوند.»

## ازدواج یک اعلان فرهنگی و اجتماعی است

عده‌ای بر این باورند این قشر باید با افرادی ازدواج کند که دارای شرایطی مشابه هم هستند، چراکه بهتر قادر به درک یکدیگر هستند و در مقابل نیز دیدگاه دیگری وجود دارد که بر ازدواج این گروه با افراد غیرمعلول تأکید دارد. سعید صدقی در این خصوص توضیح می‌دهد: «هر انسان و رابطی‌ای داستان خودش را دارد و نمی‌توان یک حکم کلی را در نظر گرفت و برای آن باید یا نباید ترسیم کرد. ازدواج دو آدم با تفاوت‌های جسمانی مشابه با هم، مثلاً دو نابینا یا ناشنوا، الزماً یک ازدواج موفق نیست و حتی پیش‌بینی هم برای بسیاری از مسائل آن ازدواج میسر نخواهد بود. اما این ناهم‌اندی ممکن است زمینه‌هایی فراهم کند که یک ازدواج کمی با چالش‌های متفاوت‌تر یا در بعضی از مواقع بیشتری همراه باشد. ما به امر فرهنگی در ازدواج نگاه می‌کنیم؛ ازدواج اصولاً یک اعلان فرهنگی و اجتماعی است؛ یعنی دو نفر از طریق ازدواج و تشکیل یک زندگی خانوادگی مشترک به جامعه‌اعلام می‌کنند که ما دو نفر تعهد داده‌ایم که با هم زندگی کنیم و روابط جنسی ما مشخصاً با هم خواهد بود و ما می‌خواهیم روی این مسأله پایبند باشیم. اگر ازدواج را در امری اجتماعی در نظر بگیریم نیز مسائل متعدد فرهنگی می‌توانند آن تأثیرگذاری را بیشتر کنند.»

وی بیان می‌کند: «ما در جامعه‌ای زندگی می‌کنیم که افرادی که به هر دلیلی تفاوت‌هایی دارند با نگاه‌های خاصی نگریده می‌شوند؛ مثلاً در جوامعی که انسان‌های سیاه‌پوست در اقلیت هستند، ازدواج یک سیاه‌پوست با سفیدپوست شاید چیز عجیبی به نظر برسد، چیزی که فرهنگ نمی‌تواند آن را به عنوان یک امر عادی و مرسوم در نظر بگیرد. اما شما تصور کنید در همان جامعه اگر به تناوب این ازدواج‌ها رخ دهد و افراد به گونه‌ای تربیت شوند که رنگ پوست را فقط به عنوان یک تفاوت در نظر بگیرند و نه یک مزیت یا اقلیت و یا باورهای نژادپرستانه مختلف، آن وقت است که ازدواج یک سیاه‌پوست با یک سفیدپوست ازدواج دو غیرهم‌انند در نظر گرفته نخواهد شد. در مورد انسان‌هایی با وضعیت بدنی متفاوت نیز داستان به همین صورت است؛ زمانی که شما زوجی را می‌بینید که یکی از آنها نواقص یا تفاوت‌های فیزیکی خاصی دارد، فرهنگ قاعداً می‌تواند فشار اجتماعی خاصی به آن زوج تحمیل کند. اینجا این مسأله به یک مسأله اجتماعی و کلان تبدیل می‌شود؛ نگاه‌های اطرافیان، صحبت‌هایی که مطرح می‌شوند و مسائل متعددی که در آن خانواده اتفاق می‌افتد همه می‌توانند روی آن زوج تأثیرگذار بوده و کار را کمی سخت‌تر کنند.»

## برای پیش‌بینی، فرمول مشخصی وجود ندارد

این روانشناس تأکید می‌کند: «اینجا دیگر با یک

تفاوت و نه لزوماً دارای نقص یا کمبود دیده می‌شوند. اگر از این منظر به موضوع نگاه کنیم شاید بتوانیم نگاه بیرونی را تعدیل کرده و کمی پدیدارشناسانه‌تر درون و از چشم این انسان‌ها به رخدادهای مختلف بنگریم. بنابراین در درجه اول باید تعریف مشخصی از نقص عضو داشته باشیم و پیشنهاد من این است که به جای نقص عضو بگوییم «انسان‌هایی با بدن‌های متفاوت» یا «انسان‌هایی با نیازهای متفاوت» که می‌توانند یکی از آن بار معنایی منفی آن بکاهد. گویی ما انسان‌های بهنجار به افرادی که با ما متفاوت هستند به عنوان انسان‌هایی ناقص یا ناکامل نگاه می‌کنیم که این نگاه به هیچ‌وجه درست نیست و بهتر این است که در مورد آن کاری انجام دهیم.»

وی ادامه می‌دهد: «نکته دوم این است که هر ازدواجی در هر زمینه‌ای و بین هر انسانی با هر ویژگی‌ها و توانمندی‌هایی، همیشه به معنای روبه‌رو شدن با چالش‌ها و فشارهای روانی متعددی است. هیچ ازدواجی داستان جاده‌ای هموار، بدون مشکل و بدون مسأله نیست و ازدواج آدم‌هایی که در سطح بدنی دچار مشکلات یا دارای تفاوت‌هایی هستند نیز می‌تواند به اندازه ازدواج آدم‌هایی که این مسائل یا تفاوت‌های جسمی را ندارند هم چالش‌هایی داشته باشد. از طرفی انسان‌هایی که به لحاظ فیزیکی مشکلات خاصی ندارند اگر مینا را بر نقص بگیریم - با بسیاری از نقص‌های روانی وارد ازدواج می‌شوند که ملموس نیستند، پس نمی‌توان فقط معیار را برای یک ازدواج و چالش‌های آن نقص فیزیکی و غیره در نظر گرفت؛ چون نقص روانی بسیار پررنگ‌تر از مشکلات جسمانی می‌تواند بر یک ازدواج تأثیر بگذارد و آن را دچار چالش کند.»

صدقی می‌افزاید: «از این دو نکته این نتیجه را می‌توان گرفت که ازدواج هر انسانی با هر نقص، تفاوت، کمبود یا اشکالی دارای مشکلات و مسائلی است که هر کدام می‌توانند به نحوی روی یک ازدواج سایه بیندازند و یا اینکه به عنوان یک امر تأثیرگذار یا حتی بی‌تأثیر مشکلاتی ایجاد کنند. بله، نقص‌های جسمانی یا تفاوت‌های فیزیکی نیز می‌توانند یک ازدواج را دچار چالش‌هایی کند اما قاعده بر این است که تمام ازدواج‌ها بین تمامی انسان‌ها به دلایل بسیار مختلفی دچار چالش‌هایی است و این موضوع پذیرفتنی نیست که ما فقط نقص جسمانی را مد نظر قرار دهیم؛ چراکه مسائل روانی بسیار متعددی هم مطرح است که آنها شاید گاهی مواقع بیشتر از مسائل جسمی یک ازدواج را دچار مشکلاتی کنند؛ اما به طور کلی، مفهوم ازدواج و زیستن با یک فرد برای سالیان طولانی مفهومی است که در دل خود چالش‌ها و مسائل و مشکلاتی دارد و یک ازدواج خوب و سالم به این معنا است که چگونه با این چالش‌ها می‌توان مواجه شد، نه وجود یا عدم وجود این چالش‌ها در زندگی مشترک؛ قطعاً مسائل و مشکلاتی وجود دارند اما مسأله اصلی چگونگی رویارویی با آنها است.»

## مشکلات زندگی مشترک افراد دارای محدودیت‌های فیزیکی

# چالش‌های ازدواج معلولان

ازدواج یکی از بحث‌برانگیزترین مسائل در حوزه معلولیت است که نظرات و اعتقادات مختلف و متفاوتی در رابطه با آن در بین افراد دارای محدودیت‌های جسمانی و همچنین افراد اصطلاحاً سالم وجود دارد. بدیهی است که این قشر نیز همچون سایر افراد جامعه حق داشتن یک زندگی طبیعی و ورود به زندگی مشترک را دارند.

شاید نخستین و مهم‌ترین موردی که با مشاهده ازدواج افراد دارای نقص عضو یا یکدیگر یا افراد اصطلاحاً سالم و غیرمعلول به ذهن می‌رسد این است که احتمال ترحم از جانب جامعه، اطرافیان یا حتی همسر وجود دارد که همین مسأله می‌تواند زمینه‌ساز چالش‌ها و ناملایماتی در زندگی مشترک شود.

به طور کلی چالش‌های ازدواج افراد دارای محدودیت‌های فیزیکی چه مسائلی است و چگونه می‌توان مشکلات و معضلات این مسیر را برای این آنان هموار کرد؟

## ازدواج یک انتخاب و سلیقه شخصی است

«چهار سال است که با همسر ازدواج کرده‌ام. او هیچ مشکل جسمی ندارد. طی این چهار سال چند بار هم از اطرافیان و هم از افراد دیگر شنیده‌ام که بواشکی از اینکه همسر من چنین فداکاری‌ای کرده و من را به همسری انتخاب کرده‌ام تحسین کرده‌اند و حتی بعضی‌ها هم به حاش دل‌سوزانده‌اند! چرا باید این‌طور فکر کرد که همسر من از روی ترحم و نه علاقه و رضایت شخصی این انتخاب را کرده است؟! یا اصلاً چرا باید همیشه این تصور وجود داشته باشد که افراد دارای معلولیت باید با کسی که مانند خودشان مشکل جسمی دارد ازدواج کنند؟» اینها را منیژه می‌گوید؛ کسی که علاوه بر نقص حرکتی از چند بیماری دیگر نیز رنج می‌برد و در عین حال انسانی بسیار کوشا، شاد و مستقل است.

ماهرخ نیز با غمی که در صدایش حس می‌شود، اظهار می‌کند: «من خیلی کم‌سن و سال بودم که مادرم یک‌بار به من گفت شاید هیچ روانشناسی این چیزی را که می‌خواهم بگویم تأیید نکند، اما من می‌خواهم از همین حالا واقعیت را به تو بفهمانم. با این مشکلی که داری، هیچ مردی حاضر نیست با تو ازدواج کند. پس فکر شوهر را از سرت بیرون کن. الان بیش از ۱۰ سال است که از این جریان گذشته و من هنوز نمی‌توانم باور کنم مادرم آن هم در آن سن به من چنین حرفی زده است. سخن او مانند زخم عمیقی است که همیشه تازه است و خوب شدن هم در کارش نیست و از همان دوران من را افسرده و منزوی کرده است.» حسن معتقد است: «ازدواج و تشکیل خانواده حق و نیاز هر انسانی است و ما اجازه نداریم این حق را از انسان‌هایی که دچار مشکلاتی در بدن‌شان هستند، بگیریم. ازدواج یک انتخاب و سلیقه‌ای شخصی است و فردی سالم از نظر جسمی که با یک فرد دارای نقص عضو یا فردی مانند خود وارد زندگی مشترک می‌شود، انتخابی است که بر اساس معیارهای خود انجام داده و درست نیست که به خاطر این انتخاب از خودی جامعه تحت فشار قرار گیرد.» سارا با الحنی کمی عصبی عنوان می‌کند: «چه کسی گفته که افراد دارای محدودیت‌های فیزیکی همیشه با هم گروهی‌های خود خوشبخت‌تر هستند؟ این را هم باید گفت که سد ازدواج بیشتر بر سر راه دختران است تا پسران. اگر پسری یکی از اعضای بدنش را از دست داده باشد و بخواهد ازدواج کند مشکلات بسیار کمتر و کوچک‌تری نسبت به یک دختری با شرایط مشابه خود دارد.»

## ازدواج به معنای روبه‌رو شدن با چالش‌ها است

سعید صدقی، دانش‌آموخته روانشناسی عمومی با بیان اینکه در درجه اول شاید بهتر باشد پیش از هر چیز تعریف مشخصی از نقص عضو داشته باشیم، به آتی‌ه‌نو می‌گوید: «گاهی انسان‌ها به خاطر تفاوت‌هایی در بدن و پیکر‌شان ممکن است فقط به صورت افرادی